ارقام از نمایشگاه سی و سوم می‌گویند

سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران پس از ۱۰ روز برگزاری حضوری (با احتساب یک روز تعطیلی) و ۱۲ روز برگزاری مجازی، دیشب به پایان رسید. اعداد و ارقامی که گویای کیفیت برگزاری نمایشگاه هستند را مرور کرده‌ایم.

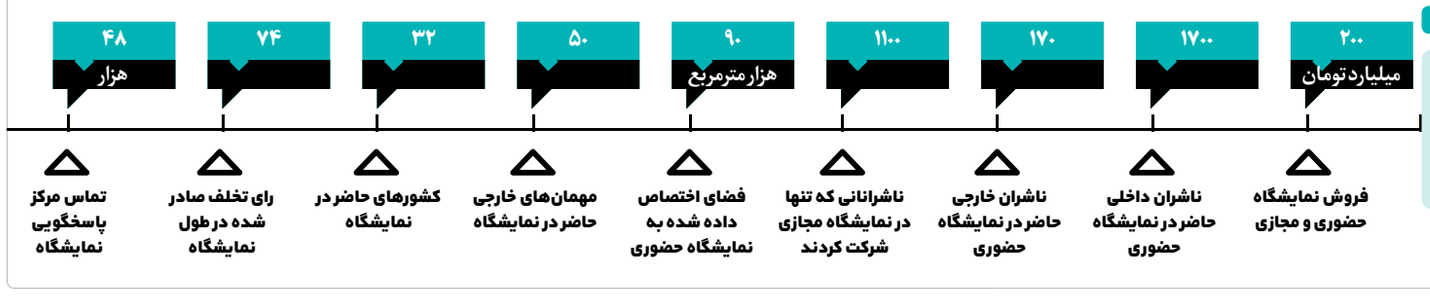

گفت‌وگو

مریم منصوری، کارگردان و نمایشنامه‌نویس:

تاریخ خرمشهر پر از قصه است

آذر مهاجر
گروه فرهنگ و هنر

خرمشهر مثل زن زیبایی است که چشم همه مردان خارجی دنبالش بوده؛ این جمله را یکی از شخصیت‌های نمایش «آمده بودیم اینجا بمیریم» درباره خرمشهر سال‌های قبل از جنگ می‌گوید. مریم منصوری، نویسنده این نمایشنامه اما معتقد است در طول سال‌های جنگ تحمیلی و بعد از آن، دیگر خرمشهر آن زن جوان و زیبا نیست اما همچنان مورد توجه قرار دارد و موقعیت خاص این شهر در جغرافیای سیاسی خاورمیانه، شرایط خاصی به این شهر تحمیل کرده است. منصوری اهل خرمشهر نیست اما نوشتن نمایشنامه، او را به خواندن و پژوهش علاقه‌مند کرده و از جمله مهم‌ترین این پژوهش‌ها درباره تاریخ خرمشهر است. این کارگردان جوان به قدری خرمشهر را می‌شناسد که می‌تواند با همه وجود آن را دوست بدارد و حرف زدن درباره زخم‌ها و دردهای این شهر، چشم‌هایش را تر کند. نمایش آمده بودیم اینجا بمیریم، به قلم منصوری و با کارگردانی او، سال ۱۳۹۹ در جشنواره تئاتر مقاومت جایزه سوم نمایشنامه‌نویسی را به دست آورد و محسن پوشایی و پرهام روئین به ترتیب در رشته‌های بازیگر مرد و بازیگر خردسال، تقدیر شدند. این نمایش سال ۱۴۰۰، همزمان با سالروز فتح خرمشهر در تماشاخانه سرو با حضور مدیران هنری، هنرمندان و نیز سعید جهان‌آرا، برادر شهید جهان‌آرا افتتاح شد و تا مدتی روی صحنه بود. منصوری درباره این شهر و موقعیت دراماتیک آن با جام جم گفت‌وگو کرد.

نمایشنامه آمده بودیم اینجا بمیریم، یک روایت زنانه از مصائب جنگ هشت‌ساله است اما برای نوشتن این نمایشنامه، خرمشهر را از زمان شیخ خزعل که انگلیسی‌ها به دنبال تصرف شهر بندری خرمشهر بودند تا دوره جنگ که صدام گفته بود من دو روزه خرمشهر را می‌گیرم و نیز در سال‌های دفاع مقدس مدنظر داشته‌ام.

خرمشهر یک بندر زیبا و ثروتمند بوده که همیشه مورد تهاجم قرار گرفته است؛ چه در دروه شیخ خزعل که قصد داشت اعلام استقلال کند و نمونه حکومت‌های شیخ‌نشین را در خرمشهر پیاده کند، چه در جنگ جهانی دوم، چه در جنگ ایران و عراق. این شهر، پل ارتباطی روسیه به آب‌های آزاد جنوب ایران بوده و همین‌طور به دلیل ثروتی که از اکتشاف نفت به دست آورده، نظر حکومت‌های همسایه و نیز قدرت‌های جهانی مثل انگلیس، آمریکا و روسیه را جلب می‌کرده است. در جنگ جهانی دوم متفقین برای ارسال اسلحه از بندر خرمشهر عبور می‌کردند و نیز از راه‌آهن شمال به جنوب ایران. در جنگ ایران و عراق خرمشهر تنها شهری بود که تصرف شد و البته بعد از مدتی از تصرف درآمد.

شهر هزار قصه

خرمشهر می‌تواند بستر قصه‌های زیادی باشد. نمایشنامه آمده بودیم اینجا بمیریم را به جهان‌آرا تقدیم کردم که نماد مبارزه‌های مردمی در دفاع از این شهر بود. محمد جهان‌آرا یک نمونه از قهرمانان ملی است؛ قهرمانانی که هنوز پرتره درستی از آنها ارائه نشده است. حتی شیخ خزعل که انگلیسی‌ها او را فریفتند نیز مایه‌های پرداخت دراماتیک دارد، به‌خصوص قتل بی‌سروصدای او در تهران.

خرمشهر در جنگ جهانی دوم، ورود انگلیسی‌ها به خرمشهر، جنگ هشت‌ساله و کشف نفت، می‌تواند قصه‌های مهم این شهر باشد و در کنار همه اینها تاریخ هشت‌ساله دفاع مقدس و داستان مردم خرمشهر که سنگ زیرین آسیاب بودند، قصه‌های بسیاری در خود دارند. حتی قصه آنهایی که در زمان اشغال شهر به ناچار راهی تهران و سایر شهرها شدند و سال‌ها بعد شهرشان و خانه‌شان را مانند یک ویرانه تحویل گرفتند هم می‌تواند دستمایه آثار نمایشی دیدنی و تاثیرگذار باشد. همه این قصه‌ها به شرطی به دل خواهد نشست که فارغ از پیش‌داوری‌های حزبی و ارزش‌گذاری‌های رسمی باشد. یعنی باید خود مردم را نشان داد با تمام واقعیت‌شان.

تاریخ و پژوهش، کافی است

برای نوشتن نمایشنامه‌ام با تاریخ خرمشهر و مردمش بیشتر آشنا شدم. فکر می‌کنم نیازی نیست نمایشنامه‌نویس‌ها و فیلمنامه‌نویس‌ها خرمشهری باشند، چون این شهر قسمتی از تاریخ کشورمان است و منابع زیادی از تاریخ خوزستان، تاریخ خرمشهر در جنگ جهانی، دوران قحطی، جنگ هشت‌ساله و ... در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. هر نویسنده‌ای با هر پشتوانه قومیتی می‌تواند با کار پژوهشی، تحقیق میدانی و استفاده از مشاوران محلی، درباره این شهر فیلمنامه و نمایشنامه بنویسد. احتمالا از خلق اثر بسیار هم لذت خواهد برد، چون این شهر تاریخ رنگارنگ، پر فراز و نشیب و پر از داستانی دارد.

جنگ، چهره مردانه دارد

جنگ یک اتفاق مردانه است و اتفاقات زنانه جنگ، پشت ماجرایی است که در صحنه و جلوی چشم‌ها اتفاق می‌افتاد. برخلاف بسیاری از آثار نمایشی که در منطقه جنگی روایت شده‌اند یا درباره مصائب و رشادت‌های جنگی ساخته شده‌اند یا به مجروحان جنگ و آسیب‌های آنها پرداخته‌اند، من درباره فقدان‌های جنگ نوشته‌ام؛ درباره مصائبی که بعد از مفقودالاثر شدن یک عضو از خانواده اتفاق می‌افتد، درباره خانه‌ای که دیگر خانه نیست، درباره آدم‌هایی که از دست دادن را تجربه کرده‌اند. درباره بچه‌هایی که زمان جنگ رفته و بعد از جنگ نوجوان یا جوان شده، به شهر برگشته‌اند و قسمتی از تاریخ را در حافظه خود ندارند.

مصیبت و حماسه، دو روی یک سکه هستند، چون برای عبور از مصیبت‌های دشوار باید رشادت‌های بزرگ نشان داد. شاید در زمان بروز اتفاقات، فقط رشادت‌ها به یاد بیایند اما بعد از حماسه است که مصیبت‌ها و فقدان‌ها خود را نشان می‌دهند و مدیریت مصیبت‌ها و فقدان‌ها برعهده زنان است که در نقش مادر، همسر یا خواهر، خانواده را دور هم جمع می‌کنند و دوباره به خانه معنا می‌دهند.

یک هدیه سالانه به خرمشهر

خرمشهر حالا بانوی سالخورده‌ای است که هیچ‌کس زیبایی‌های او را نمی‌بیند. مهم‌ترین نماد خرمشهر در عکس‌های سالروز آزادسازی این شهر، مسجد جامع آن است که هنوز می‌توان رد گلوله‌ها را روی کاشی‌ها و دیوارهایش دید. هنوز نخل‌های بی‌سر و عقیم‌شده در این شهر، بسیار است. من همواره دلسوزی همراه با احترام به این شهر دارم و فکر می‌کنم کاش مدیران و مسوولان، هر سال به بهانه سالروز آزادسازی خرمشهر یک امکان رفاهی یا شهروندی به مردم این شهر هدیه بدهند. بیشتر از ۳۰ سال از پایان جنگ گذشته و اگر و فقط اگر هر سال به بهانه سوم خرداد، بخشی از این شهر ترمیم می‌شد، امروز خرمشهر دیگری داشتیم. مردم این شهر غیور و مخلص بودند که از همه چیزشان گذشتند اما امروز چهره این شهر پر از درد و رنج است. هنوز می‌شود درباره این رنج حرف زد، فیلم ساخت و نمایشنامه و کتاب نوشت. یکی از همرزمان شهید جهان‌آرا آمده بود نمایش ما را ببیند، سینه‌اش پر از خاطرهایی بود که باید شنید. حوزه هنری در حوزه کتاب و فیلم، کارهایی برای خرمشهر کرده، ولی هنوز کار زیاد است با این همه معتقدم راه تشکر از این مردم، ارائه امکانات رفاهی و آبادانی خرمشهر است.

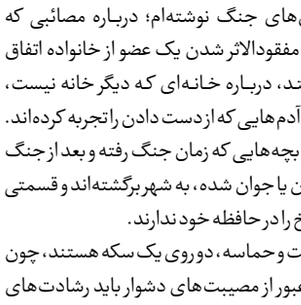

عطف

تورق مقاومت زنان خرمشهر

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

یکی از گلایه‌های همیشگی در حوزه سینمای ایران، بی‌اعتنایی به ظرفیت‌های عظیم ادبیات مقاومت و پایداری است. انبوه کتاب‌های خواندنی و تاثیرگذار در این زمینه به‌ویژه محصولات انتشارات سوره مهر که با تلاش دفتر ادبیات و هنر مقاومت و نویسندگان این عرصه و ثبت خاطرات رزمنده‌های دیروز، به چاپ‌های متعدد رسیده، ظرفیت فراوانی برای تبدیل شدن به فیلم و سریال‌های جذاب و موفق و ماندگار دارد. اگرچه در این چند سال اخیر، سینماگران اندکی بیشتر از قبل با قدر و قیمت گنجینه‌های ادبی در این زمینه آشنا شدند و به اهمیت آن پی برده‌اند اما هنوز کارهای زمین مانده بسیاری باقی است و همیشه می‌توان از این چشمه‌های جوشان، جرعه‌های گوارایی برداشت. یکی از کارهای ارزشمند منیر قیدی در فیلم دسته‌دختران این بود که با نگاهی به بعضی از کتاب‌های ادبیات پایداری، قصه‌ای با موضوع مقاومت دختران و زنان خرمشهری در اوایل جنگ خلق کرد. اگرچه این بهره‌برداری، به داستان جذاب و منسجمی منجر نشد اما همین اقدام را می‌توان به‌طور جدی‌تر و با اقتباس‌های مستقل و بهتر دنبال کرد و به تولید آثار شایسته‌تری در سینما و تلویزیون رسید. این سه کتاب صرفا به عنوان نمونه‌هایی از تلاش‌های ادبی با موضوع مقاومت زنان خرمشهر است و برای مواجهه با گنجینه‌های دیگر هم به شوق، اراده، دغدغه و باوری نیاز است که در شما سراغ داریم.

پوتین‌های مریم

مریم امجدی، زمان محاصره و اشغال خرمشهر، دختر ۱۷ ساله‌ای بود که با یک کلت رول‌ور که دورکمرش می‌بست و با اسلحه ژ۳ دوخشابه‌ای که در دست داشت، پابه پای مردان در برابر هجوم نیروهای بعثی عراقی می‌ایستاد و مقاومت می‌کرد. این کتاب با روایت فریبا طالش‌پور، تصویر درخشانی از مقاومت دختران و زنان در خرمشهر آن روزها ارائه می‌کند و با همین چند خط تصویر، جان می‌دهد برای یک فیلم تماشایی و تاثیرگذار.

در کوچه‌های خرمشهر

«هنوز پس از گذشت سال‌ها، صدای بچه‌های خرمشهر را در کوچه پس‌کوچه‌های شهر می‌شنوم. هنوز هم تک‌تک کوچه‌ها، خیابان‌ها و خانه‌های شهر مقابل چشمانم هستند. آن ویرانه‌ها، آن نخل‌های از کمرخم شده، گویی باز هم صدای شلیک، صدای داد و فریاد می‌آید. یک عراقی روی دیوار سالم مانده‌ای با خط درشت به عربی می‌نویسد: جئنالنبقی یعنی آمده‌ایم که بمانیم! و من به یاد حرف‌های بهروز مرادی می‌افتم. وقتی خرمشهر آزاد شد، بهروز با دیدن این شعار بلند فریاد کشیده بود: «نمی‌توانید؛ نتوانستید! خرمشهر تبدیل به گورستان شما شد!» به قدری این بخش آغازین مقدمه نویسنده کتاب (مریم شانکی) درخشان بود که عین آن را نقل کردیم. باقی‌اش را خودتان دریابید.

پاییز ۵۹

زهره ستوده (عیوضیان) یکی از شاهدان عینی روزها و ماه‌های آغازین دفاع مقدس از اهالی خرمشهر بود که در کتاب پاییز ۵۹ که به کوشش سیده‌اعظم حسینی، ناهید سلمانی و تدوین و نگارش دکتر سیده رقیه میرابوالقاسمی به نگارش درآمده، خاطرات تلخ و اندوهبارش را روایت می‌کند.

تصویر مقاومت

عکس و مکث

عکس‌های عکاسان دفاع مقدس از لحظات سقوط، فتح و زندگی دوباره در خرمشهر، بخشی افتخارآمیز از هنر معاصر ایران است. در این مطلب نگاهی انداخته‌ایم به سه عکس مشهور از آن دوران.

آن دو مرد در میدان

عکس: امیرعلی جوادیان

«درگیری نفر به نفر»، نامی است که عکاس برای این عکس انتخاب کرده است. نکته قابل توجه در این عکس غیاب دشمن است. دشمن در آن دورهاست، پشت دود و آتش و همین نبودن دشمن او را رازآمیز و هول‌آورتر کرده اما شجاعت سربازان مدافع وطن، با همین غیاب برجسته‌تر شده است. دشمن خود را پنهان کرده و آتش می‌بارد اما جوانان دلیرانه به وسط میدان آمده‌اند و «هل من مبارز» می‌طلبند.

عشاق روی پل

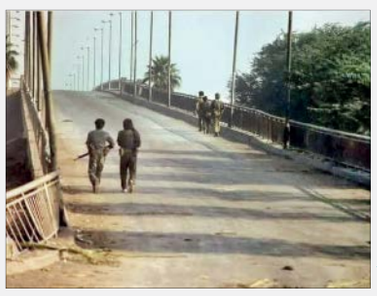

عکس: بهرام محمدی‌فر

ازمیان آن همه هیاهوی کم‌تاثیر و لهجه‌هایی غریب در فیلم «دسته دختران» به کارگردانی منیر قیدی، ما صحنه‌ای را از این فیلم برای خود به یادگار برمی‌داریم که اتفاقا هیچ نشانی از تیر و شلیک در آن نیست، همان ارجاع به این عکس مشهور که آخرین مدافعان خرمشهر قبل از سقوط را روی پل می‌بینیم. تمام حرفی که قیدی می‌خواهد درباره نقش مهم زنان و دختران خرمشهر و حماسه مقاومت آنها و هم‌قدمی با مردان مبارز بزند، در همین خوانش هنرمندانه هویداست.

زمزمه زندگی

عکس: جاسم غضبان‌پور

«پس از آزادی» عکس دیگری است از خرمشهر اما خرمشهر در ایام بعد از سوم خرداد؛ خرمشهری که هنوز زخمی جنگ است و مانند نخل‌های کمرشکسته‌اش قد راست نکرده اما در میانه همین نخل‌های سربریده که هرکدام مانند شهیدی در سکوت فرورفته‌اند، صدای زلال زندگی به گوش می‌رسد. کودکی سوار بر جعبه‌ای در آب‌ها پیش می‌رود. کودکی که نشانه زندگی است.

کجا برویم؟

گالری خانه عکاسان

گالری شماره یک خانه عکاسان از امروز و به‌مناسبت سالروز آزادسازی خرمشهر، میزان نمایشگاهی با نام «نوبت ظفر» است که به عکس‌هایی دیده نشده از عملیات بیت‌المقدس اختصاص دارد. این نمایشگاه از دیروز گشایش یافته است و تا ۲۵ خرداد ادامه خواهد داشت. در نمایشگاه یاد شده عکس‌هایی منحصربه‌فرد از گنجینه خانه عکاسان از عملیات بیت‌المقدس پیش‌روی علاقه‌مندان قرار دارد. علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند همه‌روزه از ساعت ۱۰ الی ۱۸ (به جز پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها) به حوزه هنری واقع در خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ مراجعه کنند.

گالری ابوالفضل عالی

اگر به نمایشگاه «نوبت ظفر» سر زدید، در همان نزدیکی یک نمایشگاه دیگر هم به‌مناسبت چهلمین سالگرد آزادسازی خرمشهر برپا شده و یک نمایشگاه گروهی نقاشی به نام «شهر آسمانی» در گالری ابوالفضل عالی برپاست. در این نمایشگاه از تازه‌ترین آثار نقاشی کاظم چلیپا، مرتضی اسدی، غلامعلی طاهری، عبدالحمید قدیریان، کامیار صادقی و محمد اسدی جوزانی رونمایی می‌شود. این گالری هم در حوزه هنری واقع شده است.

پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب

پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب مدت‌ها بود به‌عنوان یک مجموعه تئاتری و موسیقایی آماده بهره‌برداری علاقه‌مندان بود اما شیوع کرونا فعالیت آن را به تعویق انداخته بود و حالا این پردیس با اجرای نمایش «باغ» به کارگردانی حسن معجونی به‌صورت رسمی افتتاح شده است. نمایش «باغ» در سالن «کرهال» این مجموعه که دارای ۲۶۰ صندلی و سیستم نور ال‌ای‌دی است، به صحنه رفت. بلک‌باکس، استودیو باکس و کافه کرار دیگر فضاهای پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب است که در زمینه تئاتر و موسیقی فعالیت می‌کند. در نمایش «باغ» وحید آقاپور، برنا انصاری، رضا بهبودی، داود پژمان‌فر، مهسا جمشیدی، هدیه حسینی‌نژاد، مازیار سیدی، آوا شریفی، کتایون طلایی، زینب عباسی، هومن کیایی و فرزانه میدانی ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه اجرا می‌شود.

تالار وحدت

تالار وحدت این روزها شاهد برگزاری چندین برنامه موسیقی است. نخستین برنامه رسیتال پیانو از فریدون ناصحی که ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه امروز برگزار می‌شود و علاقه‌مندان موسیقی کلاسیک می‌توانند از این برنامه بهره ببرند. این گروه از دوستداران موسیقی، همچنین روزهای ششم و هفتم خرداد می‌توانند شاهد اجرای رسیتال پیانو از لیلا رمضان در ساعت ۲۰ در تالار رودکی باشند. علاوه بر این گروه، سیناذکایی، نهم خرداد ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه در تالار وحدت برنامه خواهد داشت. روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هفته آینده همچنین شاهد اجرای ارکستر سمفونیک تهران در ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه خواهیم بود، ضمن این‌که خانم‌ها روز ۲۷ خرداد می‌توانند ساعت ۱۴ به تالار وحدت بروند و از اجرای گروه نهال (ویژه بانوان) لذت ببرند.

گالری ایرانشهر

نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های نصرت ا... مسلمیان در گالری ایرانشهر برپاست و دوستداران هنرهای تجسمی تا جمعه ۱۳ خرداد فرصت دارند از این نمایشگاه بازدید کنند. ساعت کار این نمایشگاه همچنین همه‌روزه به جز روزهای شنبه از ساعت ۱۶ الی ۲۱ است. گالری ایرانشهر در خیابان شهید عضدی (آبان جنوبی)، خیابان سپند واقع شده است.